

در نود امریکایی ها چه می گذرد؟

ژاوی را هم خریدند



محمد رضا رشایی

+ خوب به رفت و برگشتی داشتیم و ممنون از شما مخاطبین عزیز که تا این وقت شب با برنامه فوتبالی ninety همراه هستید. همون طور که شنیدید هفته گذشته، ژاوی، مربی تیم بارسلونا به خاطر چندباری که به ایران سفر کرده بود، نتوانست ویزا بگیره و همراه تیمش به امریکا بیاد، نهایتاً هم مجبور شد چندروز صبر کنه تا مجوز ورود به امریکا رو بگیره. در همین رابطه معاونت ویژه ممانعت از دخالت سیاست در ورزش سازمان FBI مهمون برنامه هستن. جناب جیمز اسمیت، به نظرتون این مصداق بارز دخالت سیاست در ورزش نیست؟

- سلام، نخیر نیست!

+ تا اینجا اومدید به توضیحی بدید لافلا.

- ساعت ۲ نصفه شب چه توضیحی آخه؟

+ بالاخره آنتن تا صبح در اختیار ماست. باید به جوری پرش کنیم.

- باشه؛ بین مجبور بودیم، پای امنیت ملی امریکا وسط چجوری؟

- مثلاً از کجا معلوم که ایران دم رفتنی، چهارتا موشک زیر بغل ژاوی نچیونده باشه؟

+ موشک؟ آخه کجای ژاوی ممکنه موشک جا بگیره؟

- بله! مگه بازیکن های ایرانی تو سفر به لبنان، داخل چمدوناشون کلی تسلیحات ضدزهی بچپوندن که برسه به دست حزب الله؟ قطعات رو جدا جدا می برن، تو مقصد سرهم می کنن.

+ اجازه بدید قانع نشم؛ موشک رو از بالا و می دن روی هدف، از مرز هدف که ردش نمی کنن.

- تو عین الاسد نبود، نمی دونی؛ موشک های ایرانی

توکش بخوره به یه جایی، راحت یکی از ایالت هامون حذف می شه؛ چه از بالا و چه از بدن رومون، چه از مرز ردش کنن.

+ خوب ما که رسماً داریم تو کشورمون اسلحه می فروشیم به مردم تا همدیگه رو پاره پاره کنن. این اسلحه ها که از موشک های ایرانی خطرناک تره.

- آزادی مردم خودمون رو که نمی تونیم سلب کنیم. شاید یکی دلش بخواد مثلاً طلبکار شو با شاتگان سوراخ کنه؛ خوب این برای کاخ سفید مزاحمتی ایجاد نمی کنه، بذار بکشه. اصلاً موشک رو بی خیال شیم؛ آگه ژاوی پول گرفته بود که بایدن رو تورو کنه چی؟

+ والا تا جایی که من اطلاع دارم، بایدن همون روزی که جلوی سران جهان از خودش یه صدایی ساطع کرد، از تمام لیست ترورهای جهان حذف شد. الان تنها خطری که بایدن رو تهدید می کنه، خود بایدنه.

- اینو راست می گی خدایی؛ خودم هم الان که دوباره بهش فکر کردم خنده ام گرفت. اصلاً همه اینا رو هم بذاریم کنار، آگه ژاوی از ایران پول گرفته باشه که بیاد و تیم ملی فوتبال ما رو بررسی کنه و وضعیتمون رو قبل از جام جهانی بهشون اطلاع بده چی؟

+ خوب بگیریم که این طور باشه، این چه دخلی به امنیت ملی امریکا داره؟

- عه! نگفتم هنوز؟ راستش ما دیدیم ایران داره فرت و فرت جاسوس هامون رو می گیره، قرار شده یه چندتا جاسوس بچپونیم تو تیم ملی مون که وسط شلوغی های جام جهانی قطر، خودشون رو تو چمدون ایرانی ها جا بدن، بلکه بتونن وارد کشورشون بشن. حالا آگه ژاوی اینو بفهمه چی؟

+ به نظرم بی خوابی بهتون فشار آورده جناب اسمیت؛ پشت صحنه تشک داریم برو به چرتی بزن. از شما ببیندگان عزیز هم خیلی ممنونیم که این برنامه رو تحمل کردید؛ خدانگهدار.



سید محمدجواد طاهری



شهرداری دیجیتال

- سلام، امروز، پنجشنبه اس و اینجانب ساحل خزر، سه چهار روزی از عید گذشته و اومدیم توی سطح شهر تا از شما بپرسیم چی می شه که روزای تعطیلات عید، طبیعت ساحل پر می شه از زیاله!

....

- سلام، شما مسافرید؟

- سلام، بله دیگه. عیده و شمالش... از عید اومدم دیگه موندگار شدم. فقط سریع مصاحبه کنیم که می ترسم از بودن این همه مسافر، قسمت شمالی کشور سنگینی کنه، فروبریم.

- حتماً. خوب از سفرتون به شمال بگید و اینکه چرا مردم ما این همه زیاله می ریزن توی طبیعت؟!

- نمی دونم والا. مثلاً خود من خیلی ژاپن می رم و میام، سواحل ژاپن خیلی تمیزه؛ اصلاً کسی آشغال نمی ریزه. همه مردم فقط آشغال جمع می کنن. مگه نمی فرمایید آشغال نداره. پس چه جوری همه آشغال جمع می کنن؟!

- نه خوب، بالاخره اونجا هم به چندتایی عین بعضیا پیدا می شن دیگه.

- بله درسته.

- اصلاً من همیشه اومدنی برمی دارم چندتا توریست میارم که آشغال های طبیعت رو بدم جمع کنن. هی تعظیم می کنن، هی آشغال جمع می کنن. هی استعفا می دن، هی آشغال جمع می کنن. آشغال، تعظیم، استعفا، آشغال، تعظیم، استعفا...

- درسته. ممنون. عمده زیاله هایی که دیدید چی بود؟

- بطری و پلاستیک و این جور چیزها بود. آخه می خوام بدونم، اینا مگه سنگینه؟ مگه عیب داره اصلاً، که بگیریم دستمون و بیاریم توی ماشین؟! چرا ما ملاحظه نمی کنیم؟ من از شما می پرسم.

- من باید بیرسم این جا.

- آهان بله، ببخشید. داشتیم می گفتیم... نمی دونم چه حکمتیه که طرف ۱۰ ساله ماشین خرید و پلاستیکای صندلیاش رو نکنده، وقتی می رسه شمال تازه یادش می افته که عه عه دیدید چی شد... مشماهای ماشینم مونده... همه شو می کنه و می ریزه زمین. فکر کنم از آب وهوای شماله، یا شاید می خواد صندلیاش به نفسی بکشن. اصلاً هرکی میاد دوست داره یه اثری جا بذاره. شمایی، تبه ای، چیزی...

- امروز کجا تشریف می برید؟

- هیچ چی، روز عید، لب ساحل بابت ریختن آشغال توی ساحل، بریدن چندتا درخت واسه همزم، شستن ظرفامون توی دریا، خالی کردن کلی پلاستیک وسط جاده منتهی به دریا... اسباب سفرمون رو جلب کردن، دارم می رم شهرداری منطقه که آزادشون کنم.

- یادتون باشه، داشتیم از ژاپن می گفتیم...

- دقیق که نمی دونم چی می فرمایید فکر کنم به خاطر آب وهواس؛ اما توی ژاپن، شهرداری ها خیلی دخالت نمی کنن توی کار مردم... همین که مالیات می دیم بسه دیگه.

- ولی...

- بله. شهرداری شون هم دیجیتاله. حکم جلب وسایل هم دیجیتال صادر می شه. آگه الان قاپلمه و منقل و جوجه های زعفرونی و شلوارک من پشت ماشین شهرداری فر بشه، کی پاسخگوئه ان؟؟... عه کجارداری منو می بری آقا؟ به خدا خانمم گفت خرچنگ های اینجا رو جمع کنیم برای پوست خوبه! تو ژاپن سازمان محیط زیست... آقا نکش دستمو! آقا...

- بعله... باقی تجربیاتتون درباره بازداشتگاه های ژاپن رو هم با هم بندی هاتون اشتراک بذارید!

بازی اشکنک داره!

رئیس پلیس تهران: برخی ها با سگ وارد پارک ها می شوند و هیچ چیز را رعایت نمی کنند. به این افراد اعلام می کنیم که ورود سگ به پارک ممنوع است و جرم محسوب می شود. ما با این موضوع برخورد می کنیم.

فرشته پناهی

طفلم چه کرده است که راهش نمی دهید؟؟
تبعیض قائلید چرا بین کودکان؟؟!

بازی کنان دویده به دنبال بچه ها
دیگر چه کرده است مگر طفل بی زبان؟؟!

زخمی شدن که اشکنک بازی است خوب!
اطفالتان زیاد سوسولند بی گمان!

جاده باریک می شود!



دراگان اسکویچ از اول هم باید می رفت

تحلیل زبان بدن و چرایی
اخراج سرمربی تیم ملی چند ماه مانده به جام جهانی

سید مهدی موسوی

چیزی که پرواضح است، زبان بدن هر سرمربی (آن هم کروات) نشان از سطح توانایی و انگیزه وی برای حضور در یک تیم است، در اینجا ما به چند مورد خیلی کوتاه اشاره می کنیم:

۱- اگر در این عکس کمی دقت کنید، می بینید که همه کادر فنی در حال نگاه کردن به سمت راست هستند ولی سرمربی تیم ملی دارد جای دیگری را نگاه می کند، این مورد نشان از تفاوت فکری عمیق وی با سایر کادر فنی دارد و اختلاف بین کادر فنی و سرمربی یعنی فاجعه برای کشور!

۲- در اینجا شخصی را می بینیم که درحالی که پشتش به ماست، نگاهش نه با دراگان همسو است و نه با کادر فنی، نه حتی تماشاگران؛ او چه کسی می تواند باشد، بجز دست های پشت پرده که احتمالاً این نتایج اسکویچ هم کار اوست؟! باید صادق بود و وجود همجین افرادی را در صنعت فوتبال کشور قبول کرد.

۳- زاویه بدن سرمربی و نیمکت ذخیره ها، یک زاویه باز است (برعکس زاویه بدن کی روش که زاویه تند و بسته بود) و استراتژی تیم ملی را همان اول نشان می دهد و همه تکنیک های اسکویچ را لو می دهد، باخت مقابل الجزایر هم از روی تحلیل همین مورد ساده بود و از فضای بین بازیکنان استفاده کردند و دو گل به ثمر رساندند.

۴- خالی بودن ۱۱ صندلی در میان جمعیتی با رنگ خاص چه چیزی می تواند باشد به غیر از انتخاب ۱۱ بازیکن از ۲۵ بازیکن مورد نیاز تیم ملی؛ تیمی که زرمزه حاشیه های وابستگی آن به یک وزارتخانه خاص زیاد شنیده می شود.

۵- به مدل موی سرمربی تیم ملی دقت کنید، متمایل است به همان فرد ناشناس، از این واضح تر دیگر چه می شود گفت؟

۶- اما به گراوات نامیزان و دست های در جیب، آن جوش استرسی بغل بینی و طرز قرار گرفتن لبها (بخصوص در گوشه دهان) آقای اسکویچ دقت کنید، همه اینها یک معنی متفاوت دارد و آن ایقای سرمربی بعد از تحمل فشارها و حرف و حدیث های زیاد دارد و این یعنی فاجعه خطرناک. آه و افسوس گر ما خرد داشتیم کجا این سرمربی بد داشتیم؟